



هانی خواندن در زبان فارسی

آموزش مهارت‌های خواننداری

لوح زرین

۱۳۹۴

سرشناسه	: اکبری شلدره‌ای، فریدون، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: مبانی خواندن در زبان فارسی : آموزش مهارت‌های
خوانندگی / فریدون اکبری شلدره‌ای، حجت کجانی حصار، رضا خاتمی.	
مشخصات نشر	: تهران: لوح زرین، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۸۸ ص.
شابک	: 978-600-172-035-2
حقیقت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: خواندن
شناسه افیس	: کجانی حصار، حجت، ۱۳۵۹ -
شناسه افزوده	: خاتمی، رضا، ۱۳۵۷ -
ردیف کتب	: ۱۳۹۱ الف۸۳۲ م۷
رده بندی دیویی	: ۰۲۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۰۰۲۷۵۵

مبانی خواندن در زبان فارسی
آموزش مهارت‌های خوانندگی
مولفان: دکتر فریدون اکبری شلدره‌ای، حجت کجانی حصار، رضا خاتمی
ناشر: لوح زرین
صفحه‌آرایی: حجت کجانی حصار
ویراستار: رضا خاتمی
طرح جلد: بابیروس
لیتوگرافی و چاپ: واصف
شمارگان: ۲۰۰ جلد
چاپ اول: ۱۳۹۴
قیمت: ۳۵۰۰ تومان

تلفن بخش: ۰۹۱۹۴۸۲۸۸۲۸ - ۶۶۹۶۱۲۵۷

کلیه حقوق نشر محفوظ است.

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه	۵
فصل اول: مهندسی ساختمان زبان آموزی و آموزش مهارت‌های زبانی	۷
تعریف خواندن	۷
تفاوت خواندن با روخوانی	۷
دیدن / دریافتی / ادراکی، سواد دیداری	۱۰
گرس دان (دریافتی / ادراکی)، سواد شنیداری	۱۵
سخن گفتن (برونداد / تولیدی)، سواد گفتاری	۱۶
خواندن (دریافتی / ادراکی)، سواد خوانداری	۱۸
نوشتن (برونداد / تولیدی)، سواد نوشتاری	۲۱
مهارت فکر، درک و درافتن	۲۴
فصل دوم: نقش علائم نگارشی در خواندن	۲۵
علائم نگارشی	۲۵
مهم‌ترین و پرکاربردترین علائم نگارشی	۲۵
فصل سوم: لحن‌ها و آهنگ‌های زبان فارسی	۳۱
لحن‌های زبان فارسی	۳۱
لحن ستایشی	۳۱
لحن مدح	۳۳
لحن خاطره	۳۶
لحن حماسی	۳۷
لحن داستانی - روایی	۴۰
لحن تعلیمی (اندرزی)	۴۲
لحن تغزلی	۴۵
لحن مناجات	۴۶
لحن گفت‌وگو (مناظره / پرسش و پاسخ)	۴۷
لحن طنز	۴۹

۴۹		لحن توصیفی
۵۲		لحن وطنی (میهنی / وطنیه)
۵۲		لحن جملات گوناگون در زبان فارسی
۵۳		لحن شبه جمله ها (اصوات)
۵۳		لحن جملات منادایی
۵۴		لحن جملات شرطی
۵۵		لحن جملات امر و نهی
۵۶		لحن جملات پرسشی
۵۷		لحن جملات توطی
۵۸		لحن جملات عاطفی - تعجبی
۵۸		لحن اشعار موقه المعانی (وابسته)
۵۹		تقسیم بیت ها به سیم های بی دار
۵۹		لحن شخصی شاعران پارسیان
۶۰		ترکیب لحن ها
۶۳		فصل چهارم: تحلیل محتوایی - لحن
۶۳		متن اول از جامی
۶۴		تحلیل متن ۱
۶۶		متن دوم از گلستان سعدی
۶۷		تحلیل متن ۲
۶۸		متن سوم از اخوان ثالث
۶۹		تحلیل متن ۳
۷۱		متن چهارم از قابوس نامه
۷۲		تحلیل متن چهارم
۷۵		متن پنجم از مولوی
۷۶		تحلیل متن ۵
۷۷		متن ششم از گودرزی دهریزی
۸۱		تحلیل متن ۶
۸۳		متن هفتم از پروین اعتصامی
۸۴		تحلیل متن ۷
۸۷		فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

زبان، پدیده‌ای زنده، زایا و سازهمند و نظام‌دار است که در پیکره‌ی اجتماع انسانی، کارایی و روایی دارد و همانند جامعه‌ی بشری، دگردیسی و ستد و داد، از ویژگی‌های آن است. زبان هر سرزمین و آیین و فرهنگی، رنگی از تبار فکری و باورشناختی همان بوم و بر دارد و نمایانگر چهره‌ی فرهنگی و هویت ملی آن سرزمین است.

زبان فارسی یکی از بنیادی‌ترین بنایی است که رخسار پر فر و فروغ و تبارنامه‌ی رخشان ایرانیان را بر پیشانی دارد. «کلی‌ترین تعریف زبان این است که مجموعه‌ای از دلالت‌ها یعنی نشانه‌هاست، مراد از دلالت یا نشانه در این جا هر نوع علامتی است که در روابط میان افراد بشر به کار بیاید؛ همه‌ی حواس ظاهر ما ممکن است وسیله‌ی ایجاد زبان بشود. پس زبان بوییدنی و زبان پسودنی (لمس) و زبان دیدنی و زبان شنیدنی هست... با این حال میان همه‌ی انواع زبان‌هایی که وجود آن‌ها ممکن بوده است، زبان شنیدنی است که از جهت تنوع وسایل بیان بر آن دیگرها مزیت بسیار دارد و آن زبان شنیدنی است، که زبان گفتار، زبان ملفوظ نیز خوانده می‌شود، و موضوع زبان‌شناسی تنها همین نوع زبان است. زبان شنیدنی غالباً زبان دیدنی همراه است و گاهی این جانشین آن می‌شود. در تمام ملت‌های جهان، کم یا بیش حرکت‌های دست و چهره با سخن مطابقت دارد؛ و وضع چهره، همراه صوت‌های گفتار، حالت‌ها و اندیشه‌ها را بیان می‌کند. حرکت‌های چهره، یک نوع زبان دیدنی است اما خط و به طور عام، همه‌ی بخش‌ها نیز از مقوله‌ی این زبان به شمار می‌آیند. زبان دیدنی ظاهراً به اندازه‌ی زبان گفتار، قدیم است. یک مورد استعمال زبان دیدنی، حرکت‌های چهره و دست است». (ناتل خائلی: ۱۳۴۷، ص ۱۰)

هر زبان بشری از سه بافت (لایه یا سطح) سامان یافته است:

الف) بافت آوایی، قلمرو صوتی یا واجی زبان است.

ب) بافت دستوری، پهنه‌ی صرف و نحو و هنجارهای نحوی زبان است.

پ) بافت معنایی، جهان و اندرونی معنایی واژگان و تفاوت‌های کاربستی آن است. این سطوح سه گانه‌ی زبان در داد و ستدها و فرایند تحول و گشتار تاریخی، نقش مهمی را بر عهده دارند و زبان مانند جامعه‌ی انسانی دست‌خوش تاخت‌وتاز و یورش بیگانگان و یا دگر شدگی و انقلاب از درون می‌شود؛ همان گونه که نظام اجتماعی، نیروهای مراقب، پاسبان و محافظ برای حفظ و پاسداشت هویت، آداب و هنجارهای خود دارد. زبان هم به‌طور طبیعی از راه این سه بافت، در حفظ و پابایی ماهیت و بافتار خویش پیوسته می‌کوشد. اما میزان ماندگاری و مقاومت هر کدام از سطوح زبان در برابر جریان تحول در گذر زمان و هجوم عناصر زبان‌های دیگر، یکسان نیست. لایه‌های دستوری و آوایی هر زبانی، قدرت و نفوذناپذیری استواری بیش‌تری دارند، به‌ویژه، سطح

آوایی زبان. اگرچه الگوهای هجایی و بافت صوتی بسیار بسته و محدودی دارد اما پایداری آن بیش‌تر از سطوح دیگر است و شاید بتوان گفت کشور بزرگ ایران اگرچه گستره‌ی فرهنگی بسیار فراخ‌دامنی دارد و در این جغرافیای فرهنگی، گویش‌ها و لهجه‌ها و گونه‌های زبانی فراوانی را در خود پرورانده است اما فارسی را به عنوان زبان معیار و ملی خویش به کار گرفته است و از آن آب‌شخورها و گنجینه‌های زبانی و واژگانی گویش‌های وطنی، پیوسته مایه‌ور شده است: به همین روی، زبان ملی ما، فارسی، بنیان اصلی همبستگی و هم‌نوایی مردم این کشور است. تکیه‌گاه آموزش رسمی و مدرسی ما از آغاز تا فرجام دوره‌های یاددهی - یادگیری نظام عمومی و سنگاهی، زبان فارسی است. به دیگر سخن، زبان فارسی درگاه آموزش و یادگیری ماست. بنابراین، راهی است که ما را به سمت دنیای معارف بشری و سرزمین روشن، قرا می‌برد.

آموزش اگرچه به معنای جندسویه است و گم‌گوشه‌هایی دارد اما کاراترین سوی آن زبان است؛ البته زبان خرد در آموزش، جایگاهی چندپهلوی دارد: زمانی هدف آموزش است، گاهی موضوع آموزش است و هنگامی در گذرگاه آموزش و یادگیری ماست. بنابراین، بسته به این که از کدام دیدگاه بنگریم، ساز و کار و آرایش رفتار ما از گونه‌ای دیگر خواهد بود.

نوع نگاه ما به زبان در این امر از گمنامی نخست است؛ یعنی از دید ما، زبان در آموزش، هدف است زیرا در گام نخستین زبان امری - یادگیری قرار داریم. پس زبان آموزی با رویکرد پرورش، تقویت و فراگیری مهارت‌های زبانی، فرودگاه و نقطه‌ای هدف ماست.

زبان آموزی هم بر پایه‌ی پهنای و مهارت‌ها، پیر فراخ‌دامن است. در یک بخش‌بندی فراگیر، زبان را به دو پهنه‌ی مهارت‌های دریافتی و مهارت‌های برون‌دادی، تقسیم می‌کنیم. این دو پهنه را به نام‌های دیگر هم خوانده‌اند:

۱- مهارت‌های ادراکی، شفاهی، خوانداری و واردات زبانی (= دریافتی)

۲- مهارت‌های تولیدی، کتبی، نوشتاری و صادرات زبانی (= برون‌دادی)

هر یک از این دو قلمرو از مهارت‌ها نیز به اجزا و عناصر ساری دیگر بخش می‌شوند که از آن‌ها به پاره‌مهارت‌ها، خرده‌مهارت‌ها و یاریز‌مهارت‌ها نام برده شد. البته برای نمونه پاره‌مهارت‌های خوانداری زبان که در «سواد خواندن» و رسیدن به «تألیف درک و دریافت» بسیار نقش‌مند و اثرگذار هستند، خود به دو دسته، بخش شده‌اند: آوایی، حس عاطفی.

پاره مهارت‌های آوایی مانند تکیه، مکث و درنگ، لحن، آهنگ، کشش و گسست آوایی، پاره مهارت‌های حسی - عاطفی که خواست ما از این عنوان بهره‌گیری از پنج حس برونی به هنگام آموزش و کار بست مهارت‌های زبانی است.

در این کتاب، در حقیقت ما دریچه‌ای به سمت دنیای زیبا و فریای زبان آموزی گشوده‌ایم، چون مخاطبان آموزش و یادگیری زبان در آموزش مدرسی ما نوجوانان هستند؛ پل بسته‌ایم میان جهان نوجوانان و دنیای زبان.